

بسمه تعالی



دائرة کسری جمهوری اسلامی ایران

دادستانی کل کشور

شماره ۱۴۲۹/۸۲۲/۲۱

تاریخ ۱۴۲۹/۴/۱۰

پوست

اداره کل سرخا، شورای گنجان
 شماره ۵۴۱۸
 تاریخ ۱۳۶۹/۴/۱۰

شورای محترم نگهبان

سلام علیکم ،

باعنایت به اینکه طبق قوانین موجود (که قسمتی از آن به ضمیمه ارسال می گردد) نظارت بر دادسراها و محاکم با دادسرای دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور است و از سوی دیگر بر مبنای استنباط از اصل یکصد و شصت و یک قانون اساسی واحد نظارت بر محاکم زیر نظر ریاست محترم دیوان عالی کشور تشکیل شده است . خواهشمند است اعلام نظر فرمائید :

- ۱- دیوان عالی کشور در اصل مذکور شامل دادسرای دیوان عالی هم هست یا خیر؟
- ۲- در صورتی که دیوان عالی کشور شامل دادسرای دیوان هم باشد ، نظارت ریاست دیوان بر محاکم نیاز به قانون دارد یا طبق همین اصل ریاست دیوان می تواند در عرض دادسرای دیوان نظارت بر محاکم داشته باشد؟ / غ

دادستان کل کشور

شماره

تاریخ

پیوست



واکستری جمهوری اسلامی ایران

دفتر دادسرای دیوان عالی کشور

بسمه تعالی

قسمتی از مواد قانونی که دلالت بر اختیارات و حق نظارت دادستان کل بر محاکم و دادسراها دارد :
ماده ۴۹ قانون اصول تشکیلات دادگستری :

”مدعیان عمومی صاحب منصبانی هستند که برای حفظ حقوق عامه و نظارت در اجرای قوانین موافق مقررات قانونی انجام وظیفه می نمایند .“

ماده ۵۲ قانون اصول تشکیلات دادگستری :

”مدعیان عمومی نسبت به جریان امور محاکمی که در نزد آن محاکم مأموریت دارند نظارت داشته و مراقب می باشند که تجاوز از حدود قانونی نشود و در صورت تجاوز و سوء جریان به وزارت عدلیه راپسورت خواهند داد .“

ماده ۱۷ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری :

”دادستان کل بر کلیه دادسراهای شهرستان و استان و دیوان کیفر نظارت دارد و برای حسن اجرای قانون و ایجاد هماهنگی بین آنها پیشنهادهای لازم را به وزیر دادگستری میدهد .“

چون طبق ماده ۱۷ دادستان کل بر دادسراهای عمومی نظارت دارند و دادستانهای عمومی نیز بموجب روماده فوق بر حسن اجرای قوانین در محاکم نظارت دارند در نتیجه دادستان کل نیز نظارت بر محاکم و دادسراها را دارند .

ماده ۱۶۳ قانون دیات :

”هرگاه مجنی علیه ولی نداشته باشد دادستان کل کشور بمنزله ولی او است و موظف است حق او را بدو عفو استیفا نماید .“

ماده ۵۲ قانون حدود و قصاص :

”اگر ولی دم غائب باشد و غیبت او طولانی شود حاکم شرع ولی او است و برابر مصلحت تصمیم می گیرد .“

بموجب مصوبه شورای عالی قضائی چون قضات مأذون در محاکم حاکم شرع نیستند لذا در مورد ماده

۵۲ قانون حدود و قصاص نیز طبق ماده ۱۶۳ قانون دیات باید عمل شود .

شماره

تاریخ

پیوست



جمهوری اسلامی ایران

دفتر دادسرای دیوان عالی کشور

بسمه تعالی

ماده ۵۵۱ قانون آئین دادرسی مدنی :

"..... عضو ممیز مکلف است ضمن مراجعه به پرونده برای تهیه گزارش چنانچه از هر یک از قضات یا ادارستانها یا ادارایران یا باپرسی ها که در آن پرونده مداخله داشته اند تخلف از مواد قانون و یا اعمال غرض و یا بی اطلاعی از مانی قضائی مشاهده نمود آنرا مشروحاً و با استدلال در گزارش خود تذکر دهد و همچنین نماینده دادستان دیوان کشور در آن شعبه نیز مکلف است چنانچه تخلفاتی به شرح فوق در پرونده مشاهده نمود که عضو ممیز آنرا در گزارش خود قید نکرده بود آنرا بمشارالیه تذکر دهد و در هر دو صورت هرگاه بین عضو ممیز و نماینده دادستان موافقت در تعقیب حاصل شود رونوشتی از گزارش مزبور رأساً به دادگاه عالی انتظامی فرستاده میشود که طبق مقررات مورد رسیدگی قرار گیرد....."

ماده ۳۵ قانون تشکیل دادگاههای کیفری [۱ و ۲] و شعب دیوان عالی کشور :

"هرگاه رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور آراء هر یک از محاکم اعم از حقوقی ، کیفری ، مدنی خاص انقلاب و نظامی را اولو اینکه در مقام تجدید نظر صادر شده باشد نسبت به موارد تجدید نظر مذکور در قانون تعیین موارد تجدید نظر احکام دادگاهها و نحوه رسیدگی آنها قابل تجدید نظر بدانند حقوق درخواست تجدید نظر بنحو مندرج در قانون مذکور را دارند در مورد این ماده مرجع تجدید نظر مجدد آراء صادره وسیله دادگاه در مقام تجدید نظر دیوان عالی کشور است."

"تبصره - آرائی که وسیله دادگاههای حقوقی یا کیفری و نظامی یک در مقام رسیدگی تجدید نظر نسبت به آراء دادگاههای حقوقی یا کیفری یا نظامی و صادر می شود جزیه درخواست رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور قابل تجدید نظر مجدد در دیوان عالی کشور نمی باشد."

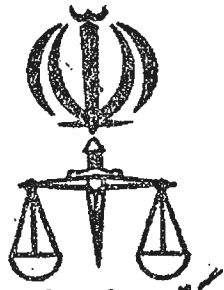
ماده ۴۲۰ قانون تشکیل دادگاههای کیفری [۱ و ۲] و شعب دیوان عالی کشور :

"متد اعیین یا وکلای آنان برای رسیدگی احضار نمی شوند مگر آنکه شعبه دیوان عالی کشور حضور آنان را برای توضیحات لازم بداند که در این صورت کسانی که حضورشان لازم است ، احضار می گردند و سپس از استماع توضیحات آنها و اظهار عقیده دادستان کل کشور یا نماینده او شعبه مبادرت بصدد ویر"

شماره

تاریخ

پیوست



جمهوری اسلامی ایران

دفتر دادرسی دیوانعالی کشور

بسمه تعالی

رأی می نمایم —————

” تبصره — دادستان کل کشور یا نماینده او ضمن اظهار عقیده راجع به رأی دادگاه می تواند به یک یا چند جهت پیش بینی شده برای تجدید نظر نسبت به مواردی که دارای جنبه عمومی است یا مورد اعتراض ذیحق قرار گرفته تقاضای تجدید نظر نماید .”

قانون مربوط به وحدت رویه قضائی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ :

” ماده واحده — هرگاه در شعب دیوانعالی کشور نسبت بموارد مشابه رویه های مختلف اتخاذ شده باشد به تقاضای وزیر دادگستری یا رئیس دیوان مزبور و یا دادستان کل هیئت عمومی دیوانعالی کشور موضوع مختلف فیه را بررسی کرده نسبت به آن اتخاذ نظر می نماید نظر اکثریت برای شعب دیوانعالی کشور و برای دادگاهها بموارد مشابه لازم الاتباع خواهد بود .”

ماده ۳ اضافه شده به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب مردادماه ۱۳۳۷ :

” هرگاه از طرف دادگاههای اعم از جزائی و حقوقی راجع به استنباط از قوانین رویه های مختلفی اتخاذ شده باشد دادستان کل پس از اطلاع مکلف است موضوع را در هیئت عمومی دیوان کشور مطرح نموده رأی هیئت عمومی را در آن باب بخواهد رأی هیئت عمومی در موضوعاتی که قطعی شده بی اثر است و لیس از طرف دادگاهها باید در موارد مشابه پیروی شود .”

ماده ۴ قانون اصول تشکیلات دادگستری :

” در صورتیکه عقیده داریارانتظامی بر تخلف و دادستان انتظامی بر عدم تعقیب باشد پرونده نزد دادستان کل فرستاده می شود در این صورت نظر دادستان دیوانعالی کشور اجرا خواهد شد در مواردی که عقیده به تعقیب باشد ادعاینامه تهیه و به امضاء دادستان انتظامی قضات بدادگاه عالی انتظامی فرستاده می شود”

ماده ۴۳ قانون امورحسبی :

” دادستان دیوان کشور از هر طریق که مطلع بسوء استنباط از مواد این قانون در دادگاهها بشود یا با اختلاف نظر دادگاهها راجع به امورحسبی اطلاع حاصل کند که مهم و مؤثر باشد نظر هیئت عمومی —

شماره

تاریخ

پیوست



دادگستری جمهوری اسلامی ایران
دفتر دادرسی دیوانعالی کشور

بسمه تعالی

دیوان کشور را خواسته و بوزارت دادگستری اطلاع می‌دهد که به رازگانه‌ها ابلاغ شود و رازگانه‌ها مکلفند برطبق نظر مزبور رفتار نمایند.